

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University



پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

## عوامل تاثیرگذار بر نقش ثروتمندان در تغییر هنجارهای اجتماعی با تاکید بر نهج البلاغه

وحید کریمی

دانشجوی کارشناسی ارشد نهج البلاغه، دانشکده اهل بیت، دانشگاه اصفهان

[Vkarimi42@yahoo.com](mailto:Vkarimi42@yahoo.com)

۰۹۱۳۱۱۷۳۱۰۴

محمد صالح طیب‌نیا

استادیار دانشکده اهل بیت، دانشگاه اصفهان

[Tayebnia.Saleh@yahoo.com](mailto:Tayebnia.Saleh@yahoo.com)

۰۹۱۳۳۱۸۷۴۳۸

1

### چکیده

هنجارهای اجتماعی از موضوعات مشترک در حوزه‌های جامعه‌شناسی و علوم تربیتی می‌باشد. در حوزه جامعه‌شناسی از مسائلی همچون تعریف هنجارهای اجتماعی، ارتباط هنجار با ارزش، فرآیند شکل‌گیری و یا تغییر هنجارها در جامعه و عوامل موثر در تغییر آنها، هنجارهای رسمی و غیررسمی و نقش حاکمیت در کنترل و مدیریت هنجارها سخن به میان می‌آید و در حوزه علوم تربیتی، نقش هنجار اجتماعی به عنوان یکی از عوامل محیطی موثر در تربیت، مورد کنکاش قرار می‌گیرد. این پژوهش با تاکید بر فرمایشات امیرالمومنین علیه السلام، در پی یافتن پاسخ این پرسش است که در میان عوامل موثر بر تغییر هنجارهای اجتماعی، نقش طبقه ثروتمند و یا به تعبیر جامعه‌شناسان، نخبگان مالکیت، چیست و چه متغیرهایی، خصوصا از سمت حاکمیت، در تقویت، تضعیف و جهت‌دهی این نقش، تاثیر گذارند؟ نگارنده با بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا نشان دهد در شرایط مختلف حاکم بر اجتماع، نقش طبقه ثروتمند می‌تواند در یک طیف بسیار گسترده، از حالت کاملا منفی و هنجار شکن تا حالت کاملا مثبت و ارزش‌آفرین، تغییر داشته باشد و این که این طبقه در کجای طیف قرار بگیرد، به متغیرهای زیادی بستگی دارد که هدف، یافتن آنها و بررسی میزان تاثیر هر کدام از آنها در این فرایند است. در این پژوهش تمامی ارتباطات دوسویه این طبقه با سایر طبقات اجتماع و خصوصا با حاکمیت جامعه بررسی شده و بر اساس آن راه‌حلهایی برای سوق دادن طبقه ثروتمند به سمت مثبت طیف ارائه شده است. خواهیم دید که از میان متغیرهای تاثیرگذار، نقش حاکمیت از طرفی در نحوه تعامل با ثروتمندان و از طرف دیگر در تعامل با بدنه جامعه در راستن از نابرابری‌های اجتماعی و کنترل نیازآفرینی در سطح جامعه، مهمترین عوامل به حساب می‌آید و در این راستا باید در کنار دوحوزه جامعه‌شناسی و علوم تربیتی، توجه وافر به حوزه‌های اقتصاد و سیاست هم داشت.

واژگان کلیدی: هنجارهای اجتماعی، ارزش‌های اجتماعی، طبقه ثروتمند، مال و ثروت، نهج البلاغه



(۱) مقدمه

(۱-۱) هنجارهای اجتماعی<sup>۱</sup>

در میان عوامل موثر در تربیت، آن دسته از عواملی که خارج از حیطه فردی و ژنتیکی هستند، در گروه عوامل اجتماعی جای می‌گیرند. خانواده، دوستان و مدرسه از جمله عوامل اجتماعی به حساب می‌آیند. در این میان، یکی از عواملی که معمولاً کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد نقش هنجارسازی اجتماع و نحوه تاثیر آن بر رفتار و ارزشهای اجتماع است.

ضرب المثل معروف «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو» که به صیغه امر آمده، گرچه در اذهان عموم مردم دارای بار منفی بوده و معمولاً متعلق به افراد قشری و سطحی جامعه به حساب می‌آید، اما با کمی تأمل مشخص می‌شود که این مثل حکایت از یک واقعیت اجتماعی دارد و باید آن را به صیغه خبری اینگونه قرائت کرد: برای دوری از رسوایی و ملامت دیگران، هم‌رنگ جماعت می‌شوی. این همان چیزی است که در حوزه علوم اجتماعی و تربیتی از آن به اجتماعی‌شدن یا جامعه‌پذیری تعبیر می‌شود.

هنجار، یک دستورالعمل و قاعده برای رفتار و تنظیم روابط اجتماعی است که اکثریت (جماعت) از آن پیروی می‌کنند و در صورت عدم پیروی، مورد مجازات، مواخذه و یا حداقل ملامت قرار می‌گیرند (و رسوا می‌شوند). در ارتباط با هنجار اجتماعی توجه به چند نکته زیر ضروری است: (رفیع پور، ۱۳۹۳، آناتومی جامعه)

(۱) هنجارهای اجتماعی برای ایجاد هماهنگی و برقراری نظم و تنظیم روابط اجتماعی در جامعه ضروری بوده و قابل حذف نیستند.

(۲) این که بنا بر تعریف فوق، چرا افراد جامعه سعی در پیروی از هنجارهای اجتماع دارند، به این اصل فطری برمی‌گردد که انسان‌ها ذاتاً نیازمندند که در روابط خود با دیگران، مورد احترام قرار گیرند و چون عدم رعایت و پیروی از هنجار، موجب سرزنش و کاهش احترام و منزلت اجتماعی می‌شود لذا سعی در رعایت آن دارند هر چند ارزش آن هنجار برای آنان حقیقتاً اثبات نشده باشد. به عبارت دیگر فشار هنجاری در بسیاری از موارد بر فرد و اراده فردی تحمیل می‌گردد. علاوه بر عوامل توبیخ و مجازات، یک عامل دیگر که باعث تشدید میل درونی به پیروی از هنجار می‌شود احساس بی‌عدالتی نسبی یا محرومیت نسبی و سعی در عقب‌نماندن از دیگران (چشم و هم‌چشمی) با پیروی از هنجارهاست.

(۳) هنجارهای اجتماعی دامنه بسیار وسیعی دارند و از دستورالعمل‌ها و قوانین رسمی و حکومتی تا آداب و رسوم غیررسمی گسترش یافته‌اند.

(۴) هم‌شکلی و پیروی از هنجار، در همه جوامع و در مورد همه هنجارها کارکرد یکسانی ندارد.

(۵) در درون هنجار نوعی باید و نباید رفتاری وجود دارد. این باید و نبایدها ممکن است مبتنی بر یک ارزش اجتماعی باشند و یا این که خود در اثر شیوع و رواج در جامعه باعث پیدایش و یا تغییر ارزش‌های اجتماعی بشوند (رابطه دوسویه ارزش و هنجار).

<sup>1</sup> Social norms

<sup>2</sup> Socialization

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University



## پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران ۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

۶) همه هنجارهای یک جامعه، لزوماً در طول زمان ثابت نیستند بلکه یک هنجار می‌تواند به تدریج به یک ناهنجاری و یک ناهنجاری به هنجار تبدیل شود و البته این فرآیند، تدریجی بوده و در گذر زمان اتفاق می‌افتد.

۷) معمولاً کارکرد فشار هنجاری (فشار همجوری) به معنای هم‌رنگ شدن و جور شدن با گروه یا جامعه، در پیدایش و تغییر ارزش‌ها بسیار موثرتر از سایر عوامل هستند.

۸) هر هنجار پذیرفته شده در جامعه لزوماً مبتنی بر یک ارزش حقیقی نیست. اما «پدیده‌هایی که ماهیتاً ارزش حقیقی دارند وقتی به یک ارزش اجتماعی تبدیل می‌شوند که رهبران جامعه بتوانند آن ارزش را در جامعه اشاعه دهند بطوری که عدم پذیرش درونی و عدم رعایت آن، توبیخ درونی و غیررسمی از جانب بقیه اعضای جامعه را در پی داشته باشد» (رفیعی پور، ۱۳۹۴).

فرآیند تغییر هنجار و یا تبدیل پدیده به هنجار، یک حرکت تدریجی و قانونمند و معمولاً از سمت اقشار بالای جامعه به پایین است.<sup>۲</sup> در ابتدا گروهی به عنوان نوآور<sup>۳</sup>، در سطح اقلیت شروع به تغییر رفتار می‌کنند. این گروه به دلیل برخورداری از موقعیت اجتماعی، کمتر از دیگران در معرض توبیخ و سرزنش هستند و با در اختیار داشتن تریبون رسمی یا غیررسمی، و با اهداف متفاوت، شروع به وارد کردن یک پدیده و رفتار و قاعده جدید به جامعه می‌کنند و از سوی یک اقلیت زودپذیر<sup>۴</sup> مورد توجه و پیروی قرار می‌گیرند. این گروه از نظر شرایط نزدیک به نوآورها هستند و می‌توانند خود را تا حدودی با آنها مقایسه نمایند و در پی کسب احترام نیز هستند. پس از پیروی این اقلیت، انتشار و اشاعه پدیده در اکثریت زود پذیر<sup>۵</sup> جامعه به صورت بهمن<sup>۶</sup> به راه می‌افتد و تبدیل به هنجار می‌شود. لذا اقلیت زودپذیر نقش موتور را برای این انتشار بهمنی ایفا می‌کنند. سپس یک اکثریت دیرپذیر<sup>۷</sup> با تاخیر زیاد نهایتاً هنجار را می‌پذیرند و البته همواره گروه پنجمی به عنوان اقلیت دیرپذیر یا عقب‌مانده<sup>۸</sup> در جامعه وجود دارند که در برابر پذیرش هنجار جدید مقاومت کرده و ممکن است هرگز آن را نپذیرند (رفیعی پور، ۱۳۹۳، آناتومی جامعه).

از جمله گروه‌هایی که در اکثر جوامع، به عنوان کارگزار تغییر اجتماعی و تبدیل کردن یک پدیده به ارزش و هنجار عمل می‌کنند، طبقه ثروتمند جامعه هستند که از آنها با عنوان نخبگان مالکیت یاد می‌شود (گی، ۱۳۹۵). اینان با اتکاء به شرایط اقتصادی مطلوب خود، پدیده‌هایی را که برای آنها باعث افزایش پرستیژ اجتماعی و موقعیت می‌شود، وارد جامعه می‌کنند. (رفیعی پور، ۱۳۹۳، آناتومی جامعه)

### ۱-۲) بیان مسئله و روش تحقیق

- 1 Anomie
- 2 Downward diffusion
- 3 Innovator
- 4 Early adopters
- 5 Early majority
- 6 Avalanche
- 7 Late majority
- 8 Laggards



از یک طرف تاثیر شگرف و گریز ناپذیر هنجارهای اجتماعی بر رفتار فردی و جمعی در اجتماع انسانی، و نقش غیر قابل انکار ثروتمندان در هنجارفرستی<sup>۱</sup> در جوامع، نمی‌تواند در سطح مدیریت کلان جامعه مورد بی توجهی و غفلت قرار گیرد. از طرف دیگر حوزه تولید، انتشار و کارکرد این هنجارها، معمولا در بخش غیررسمی جامعه می‌باشد و لذا حکومت از طریق وضع قوانین و اعمال محدودیت، در کنترل مستقیم روند آن مطابق با برنامه‌ها و اهداف خود توفیقی نخواهد داشت و چه بسا نتیجه عکس خواهد گرفت. بدین لحاظ مدیریت این دسته از هنجارها در عین ضروری بودن، بسیار پیچیده بوده و در کشورهای نظیر ما، معمولا با توفیق حداقلی روبه‌رو بوده است. در تحقیق حاضر، نگارنده با بررسی نسبتا فراگیر ارتباط ثروتمندان با بخش‌های دیگر جامعه، در پی آن است که راهکارهایی را برای مدیریت غیرمستقیم هنجارسازی‌های این گروه توسط حاکمیت، ارائه نماید. تکیه‌گاه این تحقیق، فرمایشات نورانی امیرالمومنین علیه‌السلام در نهج‌البلاغه و سیره آن حضرت در مدیریت جامعه رفاه‌زده‌ای است که از دوران خلافت طولانی عثمان به ارث برده‌اند. یافتن این که حضرت چه روش‌هایی را برای نیل به این مقصود بطور عملی به کار گرفته‌اند و این روش‌ها چگونه می‌تواند در دیگر جوامع و از جمله جامعه ما مورد استفاده قرار گیرد؟ روش تحقیق مورد استفاده، توصیفی تحلیلی می‌باشد.

#### ۳-۱) پیشینه تحقیق

در میان منابع عمومی حوزه جامعه‌شناسی و پژوهش‌های مکتوب در این حوزه، شاید هیچکدام به اندازه کتاب توسعه و تضاد اثر فرامرز رفیع پور، به موضوع ثروت به عنوان یکی از عوامل موثر در تغییر هنجارهای اجتماعی نپرداخته‌اند. در این کتاب، عوامل موثر در باارزش شدن ثروت و همچنین پیامدهای اجتماعی ارزشمند شدن ثروت، بخصوص در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است (رفیع پور، ۱۳۹۴).

از سوی دیگر در پژوهش‌های اسلامی و بخصوص در حوزه نهج‌البلاغه، بیش از ۵۰ عنوان پایان‌نامه و مقاله پژوهشی درموضوع هنجارها و تغییرات اجتماعی، بررسی گردید. در این پژوهش‌ها، یا بطور کلی از نقش طبقه ثروتمند در تغییر الگوهای رفتاری جامعه سخنی به‌میان نیامده و یا صرفا به نقش منفی این طبقه در اجتماع پرداخته شده است. از میان منابع بررسی شده، مقالات زیر بیشترین قرابت را با تحقیق حاضر داشته‌اند:

۱) تحلیل فرآیند تحول ارزش‌های اجتماعی در نهج‌البلاغه با رویکرد جامعه‌شناختی (کازم قاضی زاده و همکار، ۱۳۸۹)

۲) هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه (میریان و همکار، ۱۳۸۸)

۳) علل ناهنجاری و کنترل آن از دیدگاه نهج‌البلاغه (صمدانیان و همکار، ۱۳۹۰)

۴) سنت الهی در تغییرات اجتماعی از دیدگاه مفسران شیعه (مودب و همکار، ۱۳۸۶)

در این مقالات، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از دو دیدگاه جامعه‌شناسی و نهج‌البلاغه بطور توأم مورد بررسی قرار گرفته و در مقاله اول درباره تحول و تغییر ارزش‌ها (وهنجارها) به تفصیل سخن به میان آمده‌است. با این حال در این پژوهش‌ها نقش طبقه ثروتمند

<sup>1</sup> Norm sending



یا بطور خیلی کلی و مبهم بیان شده و یا اصلا به آن اشاره نشده است. بخصوص هدف اصلی، که تحقیق حاضر عهده‌دار نیل به آن است یعنی شناسایی عوامل موثر بر میزان اثرگذاری طبقه ثروتمند جامعه بر هنجارهای اجتماعی و نگاه سیستمی به این موضوع، در تمامی منابع مغفول مانده است.

### ۴-۱) ضرورت پژوهش

مطالعات ارزشمند پژوهشگران به همراه احساس عمومی جامعه حاکی از آن است که به هرتقدیر در جامعه ایران در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه پس از پایان دفاع مقدس، جایگاه و موقعیت اجتماعی ثروتمندان، علیرغم شعارها و اهداف این نهضت، افزایش یافته و روزبه‌روز بر ارزشمندی آن افزوده شده است. این ارزشمندی به همراه دیگر عواملی که در این نوشتار پی خواهیم گرفت، ثروتمندان را به یکی از کانون‌های پر قدرت هنجارفروست جامعه تبدیل کرده است. پرداختن به این مسئله اجتماعی، حداقل در این پژوهش، از دو جنبه ضروری می‌نماید: اول از حیث ضرورت مدیریت کلان جامعه در برخورد با این پدیده و کنترل و مدیریت آن، که در بیان مسئله بدان اشارت رفت، و دوم از منظر مباحث تربیتی در میان متولیان تعلیم و تربیت در جامعه، که در تربیت جامعه و خصوصا نسل جوان، از این پدیده غافل نمانند و در کنار سایر عوامل موثر در تربیت، نقش هنجارسازی ثروتمندان را، که مع‌الاسف باعث خنثی شدن بسیاری از عوامل دیگر می‌شود، بطور پررنگ در مطالعات و تصمیم‌سازی‌های خود لحاظ کنند.

### ۲) نقش ثروتمندان در تغییر هنجارهای اجتماعی

بحث اصلی ما در این نوشتار، اثبات نقش ثروتمندان در تغییر هنجارهای اجتماعی نیست. به بیانی دیگر پذیرفته ایم که ثروتمندان به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی، به دلیل برخورداری از امکانات اقتصادی و به تبع آن قدرت اجتماعی، از گروه‌های تاثیرگذار بر ایجاد و یا تغییر هنجارها هستند. با این حال برای دستیابی به هدف این پژوهش و یافتن عواملی که بر کنترل و هدایت این نقش انکارناپذیر می‌توانند موثر باشند، لازم است ولو به صورت اجمال، به چرایی این نقش در جامعه بپردازیم.

از یک‌سو یکی از عوامل مهم و شاید بتوان گفت مهم‌ترین عامل در تامین نیازهای مادی در زندگی اجتماعی و بقاء حیات دنیوی، عامل مال و ثروت است که در منابع دینی از آن به قوام اجتماع تعبیر شده است (کلینی، بی تا). بدون تحقق مالکیت در جامعه و امکان تصرف و استفاده از اموال و دارایی، تامین نیازهای مادی و دنیوی، امکان‌پذیر نیست. گرچه در اصل خلق امکانات و ثروت برای جریان و بقاء زندگی انسان در زمین، از سوی آفریدگار متعال هیچ‌گونه بخلی وجود نداشته و برای انسان‌ها در تمام زمان‌ها و مکان‌ها به مقدار کافی، رزق و امکانات مادی فراهم شده است، با این حال به دلیل تفاوت‌های وجودی و استعدادی انسان‌ها در کسب مال و همچنین تفاوت‌هایی که در مرحله توزیع ثروت وجود دارد، بطور اجتناب‌ناپذیر در همه جوامع بشری، برآیند این عوامل به تفاوت میان انسان‌ها در میزان دسترسی و تملک این امکانات منجر شده است. بدین لحاظ وجود گروه ثروتمند و در مقابل، گروه‌های متوسط و ضعیف، در تمامی جوامع قابل انکار و یا قابل حذف نخواهد بود. امام در ابتدای خطبه اشباح در عبارتی کوتاه، به همه این واقعیت‌ها اشاره دارند: «آفریده‌ها همگی روزی خوار اویند، روزی آنان را ضمانت نموده و توشه آنان را اندازه گیری کرده» (نهج البلاغه/خطبه ۹۱) (الف)

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University



پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

از دیگر سو به دلیل نیاز انسان به مال و ثروت، دستیابی بیشتر به ثروت و امکانات مادی، نوعی موفقیت و ارزش در زندگی تلقی می‌شود و چون انسان‌ها فطرتاً به دنبال کسب موفقیت در زندگی هستند، لذا مال و ثروت و مال‌داران و ثروتمندان همواره در نظر توده انسان‌ها محل توجه و گرایش قرار داشته تا جایی که در برخی از متون لغت‌شناسی، اصل لغت مال از ریشه میل، به معنای انحراف از چیزی و یا تمایل پیدا کردن به سمت چیزی گرفته شده است (مصطفوی، ۱۳۹۳، ج ۱۱). بدین ترتیب رفتار و آداب ثروتمندان و هنجارهایی که به آن ملتزم‌اند، بدون آن که نیاز به تربیون خاصی برای تبلیغ داشته باشند، به طور طبیعی به عنوان هنجارهای مورد قبول از سوی سایر اقشار مردم پذیرفته می‌شود و دارندگی، ملاک برزندگی تلقی می‌شود. افزون بر این که از خواص ذاتی دارایی و ثروت، خودنمایی و تبرج است که در میان ثروتمندان بطور طبیعی وجود دارد. این عرضه کردن خود بر جامعه و آن میل و کشش درونی توده مردم به مال و ثروت، در مجموع قدرت شگرفی را در این گروه برای کشاندن جامعه به دنبال خود از طریق هنجارآفرینی و هنجارزایی ایجاد می‌کند.

جان کلام اینجاست که به هر اندازه این فاصله اقتصادی بین بدنه جامعه با قشر ثروتمند بیشتر شود و توده جامعه حتی در تامين نیازهای اولیه زندگی خود با مشکل مواجه باشند و از طرفی، نیازهایی در جامعه اشاعه داده شود که رفع آنها مستلزم کسب ثروت بیشتری باشد، ارزش ثروت فزونی می‌یابد و به تبع آن ثروتمندان بیشتر مورد توجه واقع می‌شوند و تاثیر آنها در جامعه افزایش می‌یابد تا جایی که بر خلاف رای صواب شیخ شیراز، این ثروتمند است که هر جا رود قدر ببند و بر صدر نشیند! چنین است که به درستی گفته می‌شود که نابرابری های اجتماعی و نیاز آفرینی های کاذبانه (و یا صادقانه) در سطح جامعه، همانند دو جویبار به هم می‌پیوندند و باعث ارزشمندتر شدن ثروت و افزایش تاثیر طبقه ثروتمند در تغییر ارزشها و هنجارهای اجتماعی می‌گردند. (رفیع پور، ۱۳۹۴). «وقتی نمایش ثروت آغاز و از طرف دیگر از همه سو انواع نیازها به مردم تزریق شد، یک بیماری واگیر تمام جامعه را می‌گیرد، از کوچک و بزرگ و فقیر و انقلابی و ضد انقلابی و ... همه کم‌وبیش آن چیزهایی را می‌خواهند که ثروتمندان دارند یا در جامعه به ارزش تبدیل کرده‌اند» (رفیع پور، ۱۳۹۴).

این رابطه میان ثروتمندان و بدنه جامعه، یک رابطه ایستا و ساکن نیست بلکه در حال پویایی و حرکت است. ثروتمندان برای حفظ برتری و موقعیت اجتماعی خود مرتباً درصد افزایش ثروت و امکانات خویش هستند و با برگزیدن رفتارها و هنجارهای متفاوت، مرتباً قواعد و هنجارهای جدیدی را در جامعه انتشار می‌دهند. قشر متوسط با مقایسه خود با افراد هم‌ردیف یا کسانی که وضعیتشان کمی بهتر است، احساس عقب‌افتادن می‌کنند و برای کاهش میزان عقب‌ماندگی و عدم موفقیت خود، به هر طریق ممکن پا جای پای آنها می‌گذارند و ارزش‌های آنان را دنبال می‌کنند. در این رقابت نابرابر، یک رقابت نابرابرتری هم با سطح پایین و در میان اقشار فقیر رخ می‌دهد و این سیکل معیوب همچنان تکرار شده و ادامه می‌یابد.

### ۳) کنترل نقش ثروتمندان در تغییر هنجارهای اجتماعی

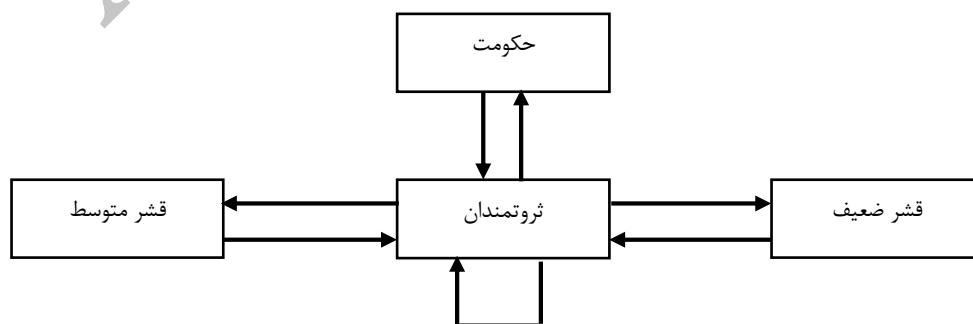
جامعه‌ای که به پدیده پیروی از طبقه ثروتمند و قبول و رواج الگوهای ثروتمندان مبتلا شده، به مثابه بیماری است که یکی از عوامل اصلی در حیات و بقای او یعنی مال و ثروت، بجای نقش آفرینی مثبت، خود تبدیل به عامل تخریب و فساد و تباهی او شده و به صورت یک بیماری اجتماعی، اعضای وی را فرا گرفته است. آیا در مواجهه با چنین بیماری، می‌توان صرفاً به پند و موعظه و یا یک سری اقدامات روبنایی و سطحی بسنده نمود و حداکثر وی را از خطری که متوجه اوست آگاه کرد؟ آیا صرف این آگاهی برای بهبود



بیماری کافی است؟ و آیا اقدام به درمان او، بدون متوقف کردن روند پیشرفت بیماری و مهار نمودن زمینه‌های گسترش آن، به بهبودی او خواهد انجامید؟ رویکرد این نوشتار، البته در حد بضاعت علمی و تجربی محدود نویسنده، توجه فراگیر به همه عواملی است که در پیدایش این بیماری و رشد و شیوع آن سهم دارند و در روند درمان باید بطور جامع و همه‌جانبه آنها را مورد توجه قرار داد. البته این توجه فراگیر باعث نمی‌شود که بتوان به تشریح همه این عوامل پرداخت و پرداختن به همه ابعاد این موضوع، به مجال بس فراتر از این مقاله و پژوهش نیاز دارد.

### ۳-۱) روابط دوسویه ثروتمندان با حاکمیت و سایر گروه‌های جامعه

به دلیل تمرکز بحث این نوشتار بر روی گروه ثروتمند جامعه، ابتدا روابط این گروه با سایر گروه‌ها و طبقات جامعه را براساس نمودار شماره ۱ در نظر می‌گیریم. در این نمودار، جامعه از لحاظ برخورداری مالی به سه گروه ثروتمند، متوسط و ضعیف تقسیم شده و در کنار این سه گروه، طبقه حاکمیت جامعه که وظیفه‌اش سامان بخشی و مدیریت جامعه است به عنوان یک گروه متمایز از آن سه گروه آمده است. هر خط جهت‌دار در این نمودار شامل دو نکته است: (۱) نگاه (۲) رفتار. به عنوان مثال در فلشی که از سمت طبقه ثروتمند به سوی طبقه حاکمیت رسم شده، همزمان دو نکته بررسی می‌شود: اول نگاه طبقه ثروتمند به بخش حاکمیت جامعه و دوم رفتاری که ثروتمندان بر اساس این نگاه، نسبت به حاکمیت جامعه ابراز می‌کنند. بر اساس آموزه‌های دینی بر این باوریم که رفتار و عملکرد مطلوب و پسندیده در هر یک از روابط نمودار، نتیجه نگاه و دیدگاه صحیح به طرف مقابل خواهد بود و از نگاه بیمار و غیر سالم، جز رفتار و عملکرد فساد آمیز بر نخواهد خاست و البته اقدامات و رفتار سالم هم متقابل موجب اصلاح نگاه خواهد شد. لذا در کنترل و هدایت تاثیر طبقه ثروتمند بر روی هنجارهای اجتماعی و هنجارسازی‌های این طبقه، باید به هر دو بعد نگاه و رفتار بطور توأمان توجه داشت. اصلاح و تغییر نگاه، نیازمند کار فرهنگی و تربیتی عمیق و گسترده و اصلاح رفتار مستلزم اقدامات عملی و اجرایی وسیع خواهد بود.



نمودار شماره ۱: روابط دوسویه ثروتمندان با سایر گروه‌های جامعه



نکته قابل توجه دیگری که در رابطه با این نمودار و اقداماتی که برای کنترل تاثیرگذاری قشر ثروتمند بر هنجارهای اجتماعی می‌توان انجام داد، آن است که تحلیل این روابط نمی‌تواند مستقل از شرایط بالفعل اجتماع در هر مقطع زمانی باشد. در هنگام تحلیل، ممکن است با جامعه‌ای مواجه باشیم که در یک روند طولانی و درازمدت، به شدت تحت تاثیر جریان ثروت و عوارض آن قرار گرفته و بسیاری از ارزش‌های اصیل و صحیح در آن تغییر کرده است. نوع کنترل و هدایت چنین جامعه‌ای، با دیگر اجتماعی که این تاثیر بنابه دلائل مختلف در آن کمتر و کم‌عمق تر بوده متفاوت است و پاسخ سیستم به اقدامات اصلاحی نیز متفاوت خواهد بود. به عبارت دیگر شرایط اولیه جامعه، نقش تعیین کننده‌ای در چگونگی کنترل و پاسخ سیستم به فرآیند کنترل خواهد داشت. امیرمومنان علی (ع) در جامعه‌ای که در سال ۳۵ هجری به عنوان خلیفه پیامبر (ص)، مدیریت و هدایت آن را بر عهده گرفتند به خوبی به این نکته واقف بودند که جامعه اسلامی عثمانی، جامعه‌ای است که در دوران خلافت دو خلیفه اول و دوم، بذر شکل‌گیری طبقه ثروتمند در آن نهاده شد و در دوران خلافت عثمان این بذر به ثمر رسید و هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های مرتبط با آن تحت تاثیر این طبقه، در مقایسه با دوران حکومت نبی اکرم (ص) در طول یک دوره ۲۵ ساله، کاملاً دگرگون شد. حضرت در خطبه شقشقیه ضمن تحلیل روند خلافت بعد از رحلت نبی اکرم (ص) خطاب به ابن عباس چنین می‌فرماید: «و خاندان پدرش (بنی امیه) با او برخاستند و مانند شتری که علف‌های تازه بهار را با حرص و ولع می‌بلعد به چپاول بیت المال پرداختند» (نهج البلاغه/خطبه ۳) (ب). ایشان با جامعه بیماری مواجه بودند که مع الاسف بیماری دنیاطلبی، نابرابری‌های اجتماعی، ارزشمندی شدن ثروت و پیامدهای زیان‌بار آن در تمام سطوح و لایه‌های این بیمار، نفوذ و رخنه کرده بود و اصطلاحاً در دوران فلج اجتماعی به سر می‌برد (رفیع پور، دریغ است ایران که ویران شود). این بیمار قبل از هر اقدام برای درمان، ضرورتاً به یک شوک نیاز داشت و چنانچه این شوک را تحمل می‌کرد می‌توانست امیدوار باشد که بتواند روند درمان را با موفقیت طی کند. به همین دلیل بود که پس از قتل عثمان و علیرغم درخواست شدید کل جامعه برای خلافت امام، پذیرش اولیه حضرت بسیار با کندی و توأم با اتمام حجت صورت گرفت. شاید امام از این که بیمار بتواند شوک اولیه را، که گریزی از آن نبود، تحمل کند نگران بودند. با این حال پس از اصرار و تقاضای مردم، نهایتاً با پذیرش مسئولیت خلافت، با نطق آتشین خود در اولین روزهای خلافت، این شوک را به بدنه جامعه و بخصوص طبقه ثروتمند و صاحب‌قدرت و نفوذ اجتماعی وارد آوردند: «آنچه را می‌گویم بر عهده می‌گیرم و نسبت به آن پای بندم... سوگند به خدایی که پیامبر را بحق برانگیخت، قطعاً شما درهم آمیخته غربال می‌گردید و مانند حبوبات درون دیگ جوشان بالا و پایین می‌شوید، تا پایین دست‌هایتان بالا آیند و بالادست‌هایتان به زیر کشیده شوند...» (نهج البلاغه/خطبه ۱۶) (پ). کنایه از این که آگاه باشید این پذیرش خلافت از جانب من، توأم با یک انقلاب اجتماعی و نه یک تغییر سطحی خواهد بود. تا جایی که جایگاه‌ها و طبقات اجتماع و روابط بین‌انها بطور کلی زیر و رو خواهد شد. بی‌جهت نیست که بخش قابل توجهی از فرمایشات امام در نهج البلاغه به توصیه به زهد اختصاص یافته است.

از این فراز به بعد، چون هدف از نگارش مقاله، تحلیل موضوع با تکیه بر نهج البلاغه و سیره امیرالمومنین است، لذا سیر بحث را با ذکر فرمایشات و اقداماتی که ایشان درباره هر کدام از روابط مورد اشاره در نمودار انجام دادند، پی می‌گیریم. گرچه موقعیت و مسئولیت ایشان در جامعه، موقعیت و مسئولیت خلافت اسلامی است، اما با توجه به نقش فراگیر هدایت و امامت حضرت از یک

<sup>1</sup> Initial conditions





# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

طرف و جایگاهی که حکومت در تنظیم روابط بین تمامی گروه‌های جامعه دارد، عملکرد امام ناظر به تمامی روابط اجتماعی بوده و برای اصلاح تمام ارتباطات دوسویه بین گروه‌های جامعه، هم از بعد نگاه و هم از بعد رفتار، راه گشا خواهد بود.

## ۳-۲) جایگاه اصلی ثروت و ثروتمند در جامعه اسلامی

قبل از دوران خلافت، حضرت در دوران به اصطلاح خانه نشینی، عمدتاً بدون ایراد خطابه، بلکه با یک سلسله اقدامات عملی، مدل صحیحی از نقش ثروت و ثروتمند را در جامعه ارائه نمودند. در این مدل، منزلت مال و ثروت، در مقام قوام جامعه است و ثروتمندان به عنوان کسانی که خداوند، بنا بر حکمت بالغه خود در آفرینش، آنان را از استعداد‌های بیشتری در کسب مال برخوردار کرده، سه وظیفه عمده دارند: (۱) تولید ثروت از طریق مشروع. (۲) تنظیم زندگی شخصی بر مبنای یک غنای کفافی و نه غنای تکاثری و اترافی (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۵). (۳) امانت‌داری مازاد ثروت از جانب خداوند برای رساندن آن به سایر اقشار جامعه و بخصوص اقشار محروم.

توضیح آن که ثروت در جامعه از دیدگاه اسلام نقش خون را در اندام بدن ایفا می‌کند. گرچه بعضی از اندام‌ها در بدن وظیفه خون سازی را برعهده دارند اما نمی‌توانند بیش از نیاز خود، از خون تولید شده را به خود اختصاص دهند بلکه این خون باید بدون کوچکترین منتهی، از طریق سیستم گردش خون در اختیار سایر اعضا قرار گیرد. همانگونه که خون در بدن مایه قوام آن بوده و هرگونه کاستی و خللی در گردش آن، موجب برهم خوردن قوام بدن می‌باشد، ثروت هم همین نقش را در بدنه جامعه ایفا می‌کند. از این رو امام صادق علیه السلام در حدیث نورانی عقل و جهل، مال قوامی را از لشکریان عقل، و تکاثر و زراندوزی را از لشکریان جهل برمی‌شمارند: «قوام و ضد آن مسابقه ثروت اندوزی» (کلینی، بی‌تا، ج ۱).

## ۳-۳) رابطه ثروتمندان و طبقه حاکمه

ثروتمندان برای پیشبرد اهداف خود یعنی حفظ و تقویت موقعیت اجتماعی و افزایش ثروت، همواره نگاه ویژه‌ای به کانون سیاسی و قدرت جامعه دارند و در این ارتباط دوسویه، بخشی از رویه‌هایی را که باعث صاف شدن جاده خود برای رسیدن به آن اهداف می‌شود، در بدنه حاکمیت و حتی تا رده‌های بالای آن ایجاد و جاری می‌سازند و متأسفانه این رویه‌ها با دلایل مختلف از سوی مدیران توجیه می‌شود و به تدریج در نظام مدیریت جامعه به هنجار تبدیل می‌شود بطوری که هرگونه مقاومت از سوی بعضی از کارمندان لایق و پاک، مورد اعتراض بقیه قرار می‌گیرد. این تاثیر از خطرناک‌ترین موضوعی است که در تغییر هنجارها رخ می‌دهد چرا که باعث آلوده شدن سرچشمه شده و به سرعت تمامی لایه‌های جامعه را دربر خواهد گرفت:

(۱) آلوده‌سازی کارگزاران به رشوه و پارتی‌بازی، تبدیل ناهنجاری‌رشته به هنجار هدیه و برقراری ارتباط نزدیک و غیر رسمی و خصوصی با کارگزاران حکومت

(۲) رواج روحیه تملق و چاپلوسی و تبدیل کردن آن به یک هنجار و رویه

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



۳) نفوذ در دستگاه حاکمیت با استفاده از مهره‌های نفوذی، و بطور خاص استفاده از وابستگان و خویشاوندان مدیران

۴) وارد کردن الگوهای مصرفی ثروتمندان و ترویج اخلاق اشرافی‌گری به دستگاه حکومت و سرایت دادن بیماری اشرافی‌گری و تکبر به هیئت‌حاکمه

۵) بزرگ‌جلوه‌دادن نقش ثروت و پول و سرمایه در پیشبرد اهداف حکومت و کاستن از ارزش نیروی کار و دانش. این کار، باعث ارزشمند شدن ثروتمندان در نظر مدیران و تاثیر آنان در تصمیم‌گیری‌های کلان و موجب کم‌رنگ شدن نقش اندیشمندان، خبرگان و صنعتگران در اداره جامعه و همچنین از نظرافتادن اقشار ضعیف در نگاه مدیران و تلقی آنها به عنوان اقشار سربار و بدون خاصیت خواهد شد.

امام علی علیه‌السلام به خوبی می‌دانند که رابطه بین ثروتمندان و مدیران دولتی، بر بسیاری از روابط دیگر در جامعه و اساساً بر کل نظام اجتماعی تاثیرگذار است و لذا یکی از اصلی‌ترین محورهای تلاش حضرت در دوران خلافت، بر اصلاح این ارتباط دور می‌زند. باید قبل از هر کار، مانع از سرایت بیماری به راس جامعه شد چرا که اگر بیماری به اندام مهم و کلیدی برسد، دیگر درمان سودی ندارد. لذا حضرت، نگاه ایجاد شده هم در طبقه ثروتمند و هم در کارگزاران خود را بصورت توأمان مورد نقد جدی قرار داده و نگاه صحیح را ارائه می‌فرمایند.

در رابطه با طبقه ثروتمند، خطاب به طلحه و زبیر به عنوان نمادی از این طبقه، که بدلیل سوابق آنان در اسلام، در نظر مردم دارای مقبولیت شرعی نیز بودند، در پاسخ به سوال آنها که چرا بیت المال را مساوی تقسیم کردید، به سیره رسول خدا (ص) اشاره کرده و می‌فرمایند: «اما این که گفتید چرا بیت المال را مساوی تقسیم نمودم، بدانید که من در این موضوع به رای خود حکم نکردم و پیرو میل خود نبودم، بلکه من و شما می‌دانیم که این همان چیزی است که رسول خدا (ص) آورده و حکمی قطعی است» (نهج‌البلاغه/ خطبه ۲۰۵) (ث)

و مسئولیت صحیح مدیر در جامعه اسلامی را در این که این مسئولیت، یک امانت الهی است و نه یک طعمه برای خوردن، و تو خزاندار مال الهی هستی، به یکی از مدیران خود چنین گوشزد می‌کنند: «مسئولیتی که بر عهده توست طعمه تو نیست بلکه امانتی بر گردن توست... در دست تو مالی از اموال خدای عزوجل است و تو یکی از خزانه داران او هستی تا آن را به من تسلیم کنی...» (نهج‌البلاغه/ نامه ۵) (ج)

این دسته از رهنمودهای امام، در مرحله دفع یا پیشگیری است. اما چنانچه کارگزار و یا ثروتمندی نگاه خود را بر اساس این رهنمودها تغییر ندهد و کماکان بر هنجارهای دوره عثمانی باقی بماند، به صورت عملی با شدیدترین عکس العمل امام در مرحله رفع بیماری و درمان مواجه خواهد شد. نامه ۴۵ نهج‌البلاغه با آن عبارت‌های تابناکش، سند افتخاری برای پیروان راستین حضرت است. در این نامه امام خطاب به یکی از بهترین کارگزاران خود یعنی عثمان بن حنیف انصاری، تنها به دلیل آن که دعوت یکی از اشراف بصره را بی‌درنگ پذیرفته و بر سر سفره او در جمع اغنیاء بصره حاضر شده، تندترین عبارات را بکار می‌برند و او را شدیداً مورد توبیخ و

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University



پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

سرزنش قرار می‌دهند. در این توبیخ‌نامه، امام جدای از این که ابن‌حنیف را نسبت به احتمال خطر رشوه از سوی میزبان هشدار می‌دهند، شاید نکته‌ای مهم‌تر از آن‌را مدنظر دارند و آن این‌که شرکت در چنین مجالسی برای کارگزاران، خطر سرایت بیماری اشرافی‌گری به آنها را در بر دارد. اگر یک مدیر دولتی به همنشینی با اغنیاء عادت کند و پول و امکاناتی که در اختیار ثروتمندان است در زیر زبان او مژه کند و چشم او را خیره نماید، در آن صورت، وسوسه دست یافتن به چنین امکاناتی در او ایجاد می‌شود و از همین جا تبنای نامیمون ثروتمندان و مدیران شکل می‌گیرد و این نهایت آرزوی طبقه ثروتمند برای دسترسی به خواسته‌های خود از طریق نفوذ در دستگاه دولتی خواهد بود. این روش، مشابه همان توطئه شوم شیطان است که برای فریب انسانها و رام کردن آنها، سعی در سرایت دادن بیماری کبر و غرور به پیروان خود را دارد: «پس ای بندگان خدا، از دشمن خدا (شیطان) بر حذر باشید مبدا شما را به بیماری خود گرفتار کند و با ندایش شما را به حرکت درآورد» (نهج‌البلاغه/خطبه ۱۹۲)(ج). در همین ارتباط، شدت دستور مجازات ابن هرمة مسئول بازار بصره بدلیل تخلف مالی از سوی امام، مو را بر تن انسان راست می‌کند(قاضی نعمان، بی تا).

مجموعه اقدامات سلبی و ایجابی که امام علیه‌السلام بصورت یک بسته غیرقابل تفکیک، برای اصلاح رابطه میان ثروتمندان و طبقه حاکمه جامعه بکار می‌گیرند، بصورت زیر خلاصه می‌شود:

۱) برخورد شدید با رشوه و تبنای چنانکه نمونه‌هایی از آن گفته شد و نمونه‌ای دیگر از آن را در کلام حضرت از قول پیامبر اکرم(ص) در پیشگویی فتنه‌های بعد از خود چنین می‌یابیم: «ای علی دیری نباید که مسلمانان پس از من با اموالشان آزموده می‌شوند... شراب را به نام آب انگور، و رشوه را به اسم هدیه، و ربا را به عنوان معامله مباح می‌شمارند» (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۵۶)(ح)

۲) پرهیز از میدان‌دادن به خویشاوندان و ایجاد رانت برای آنها: «زمامدار را خواص و نزدیکانی است که خود را بر دیگران مقدم سازند و به اموال مردم دست‌اندازی نمایند و در معامله با مردم کمتر رعایت انصاف کنند. موجبات این احوال را قطع کن و به هیچ یک از اطرافیان و خویشانت زمینی از زمین‌های مسلمانان را واگذار مکن» (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳)(خ)

۳) پرهیزدادن اکید کارگزاران از روی آوردن به زندگی‌های اشرافی و پیروی از هنجارهای ثروتمندان: نمونه‌ای از آن در خطاب عتاب آلود حضرت به شریح‌بن حارث‌قاضی، هنگامی که خانه‌ای به هشتاد دینار خرید مشهود است. (نهج‌البلاغه/ نامه ۳)

۴) نظارت قوی و پیوسته بر عملکرد مدیران دولتی و مجازات شدید آنها در صورت اثبات خیانت: «معاونان خویش را با دقت زیر نظر بگیر، اگر یکی از آنان دست به خیانت گشود و جاسوسان تو به اتفاق آن‌را گزارش کردند برای اثبات آن جرم کافی است و نیازی به شاهد دیگر نیست. پس او را تنبیه بدنی کن» (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳)(د)

۵) دقت در انتخاب و گزینش کارگزاران حکومتی و توجه به معیار تعهد مالی به عنوان یک اصل مهم: «در امور کارگزاران خود بنگر، آنان را با آزمایش و تحقیق به کار گمار، آنها را از میان گروهی برگزین که اهل تجربه‌اند و حیا دارند، ... زیرا اخلاق اینان بزرگوارانه‌تر، و آبرویشان محفوظ‌تر و طمعشان کمتر است» (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳)(ذ)



# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

۶) تامین نیازهای مالی کارگزاران از طریق بالابردن دریافتی آنها و بستن راه طمع و حجت بر آنها: «پس ارزاق آنان را بیفزای، که این کار سبب نیرومندی ایشان در اصلاح خویش شود و از خیانت در مالی که در اختیارشان است بی نیاز می‌سازد، و اگر از فرمانت سرپیچند و یا در امانتت خیانت ورزند بر ایشان حجت است» (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳) (ر)

۷) پیشگیری از نابرابری‌های اجتماعی و برقراری مساوات بین گروه‌های مختلف جامعه در برخورداری از امکانات عمومی و عدم اختصاص امکانات ویژه برای اغنیاء: هنگامی که برخی از سران و بزرگان امام را توبیخ کردند که چرا بیت‌المال را بطور مساوی بین مردم تقسیم می‌کند و سابقه شرافت اشخاص را لحاظ نمی‌نماید فرمود: «آیا به من فرمان می‌دهید که با ستم کردن به کسانی که حاکم آنها شده ام برای خود پیروزی بجویم؟» (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۲۶) (ز)

۸) ابلاغ مقررات و قوانین منسجم حکومتی و حذف رخنه‌های قانونی در آنها برای جلوگیری از سوء استفاده‌های قانونی، که نمونه‌های آن در فرمانهای حکومتی آن حضرت و خصوصاً منشور حکومتی خطاب به مالک اشتر آمده است. (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳)

۹) مبارزه با روحیه تملق و چاپلوسی: «خوش ندارم که در ذهن شما این گمان بگذرد که من مدح و تمجید و شنیدن ثنایان را دوست دارم و الحمدلله اینچنین نیستم» (نهج‌البلاغه/ خطبه ۲۱۶) (ژ)

۱۰) توجه به نقش صنوف مختلف در اجتماع و ملاحظاتی که حکومت درباره هر کدام باید در نظر بگیرد: «بدان که مردم جامعه را گروه‌های گوناگونی تشکیل می‌دهند که کارشان جز به یکدیگر سامان نیابد، و برخی از برخی دیگر تو را بی‌نیاز نسازد» بخصوص درباره گروه صنعتگران و تجار که در تولید و توزیع ثروت نقش دارند و مایه قوام بقیه صنوف هستند: «کار آنها قوام نیابد مگر با بازرگانان و صنعتگران» (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳) (س)

۱۱) فراهم کردن شرایط مساوی برای آحاد جامعه و صنوف در جهت تولید ثروت و کسب درآمد با هدف عمران و آبادانی جامعه و رفع موانع موجود از سر راه آنان: «باید بیش از آنچه درباره جمع مالیات می‌اندیشی در فکر آبادی زمین باشی، زیرا مالیات جز از طریق آبادی زمین به دست نیاید» (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳) (ش)

۱۲) اختصاص دادن بخش قابل توجهی از فرمان‌ها و توصیه‌های حکومتی خود، به یاد خدا و توصیه به انجام واجبات الهی: «باید در خصوص آنچه بوسیله آن دین خویش را برای خداوند خالص می‌سازی برپاداشتن واجبات الهی باشد که ویژه خداوند است» (نهج‌البلاغه/ نامه ۵۳) (ص)

۱۳) ارائه یک الگوی عینی در گفتار و عمل در زندگی شخصی خود برای همه امت و به ویژه کارگزاران، بسیار فراتر از حد قابل انتظار از حاکم اسلامی: «آگاه باشید که امام شما از دنیا به دوجامه و از طعام آن به دوقرص نان بسنده کرده است» (نهج‌البلاغه/ نامه ۴۵) (ض)

رعایت موارد فوق توسط خود امام در عالی‌ترین سطح، و توصیه و نظارت بر کارگزاران خود برای رعایت آنها، رخنه‌های نفوذ ثروتمندان در بدنه حاکمیت را علیرغم رنجش و کارشکنی آنان، مسدود کرده و در عین حال زمینه را برای به جریان انداختن مال به



عنوان قوام جامعه مساعد می‌نماید. این همان حقیقتی است که شارح معتزلی نهج‌البلاغه به آن اشاره دارد و در بیان تفاوت امام با معاویه از لحاظ مسائل مالی، با تکیه بر شواهد تاریخی اذعان می‌کند که علی(ع) بر خلاف معاویه، هیچکس را با برتری دادن مالی، هواخواه خود نمی‌کرد (ابن ابی الحدید، ۱۴۱۴ق، ج ۲). با رعایت چنین دستوراتی، عامل برانگیزاننده و تشدید کننده تاثیر ثروت و ثروتمندان در دگرگون ساختن هنجارهای اجتماعی، یعنی نابرابری های اجتماعی، تضعیف می‌شود و در مقابل، ثروت نقش مثبت خود را به عنوان قوام جامعه باز می‌یابد و ثروتمندان به عنوان خزانه داران الهی با تولید ثروت و انتشار آن در جامعه، در موضع و محل اصلی خود قرار می‌گیرند. چیزی که در ناحیه شام و مفرحکومتی معاویه، اثری از آن یافت نمی‌شود.

### ۳-۴) رابطه ثروتمندان و بدنه جامعه (قشر متوسط)

اگر رابطه ثروتمندان با راس جامعه و طبقه حاکمه اصلاح شود و این ارتباط به جای یک ارتباط مخرب و فسادآور، به یک ارتباط سازنده و هم‌افزا تبدیل شود، و ثروت، همچون جریان خون در تمامی پیکر جامعه جاری شود، در این صورت روند تاثیرگذاری ثروتمندان بر قشر متوسط و قشر ضعیف و همچنین رابطه متقابل این دو قشر با ثروتمندان اصلاح خواهد شد. به عبارت دیگر اصلاح ارتباط میان ثروتمندان و حکومت، یکی از کلیدهای اصلی در کنترل تاثیر طبقه ثروتمند بر تغییر ارزشها و هنجارهای اجتماعی است و این اصل بسیار مهمی در نظام اسلامی می‌باشد.

اما در شرایط اصلاح نشده، عمده‌ترین دلایل ارتباط ثروتمندان با بدنه جامعه، حفظ موقعیت برتر خود (ارضاء غریزه تکبر) و بهره‌کشی از این قشر به عنوان نیروی کار برای دستیابی به اهداف مورد نظر می‌باشد.

نکته کلیدی در اصلاح این ارتباط و یا تضعیف اثرگذاری ثروتمندان بر بدنه جامعه، آن است که قشر متوسط به عنوان اکثریت جامعه، بر اساس فعالیت‌های خود در رشته‌ها و صنوف مختلف، باید قادر شود تا به حداقل امکانات برای تنظیم زندگی خود در سطح غنای کفافی دست یابد. قشر متوسط معمولاً بیش از دو طبقه مرفه و یا فقیر دارای روحیه تعادلی است و لذا چنانچه این تعادل در معیشت و کسب مال نیز برای او رخ دهد، معمولاً در سایر زمینه‌ها رویه تعادلی را در پیش خواهد گرفت و نسبت به پیروی از هنجارهای گروه ثروتمند، بی تفاوت‌تر خواهد شد و لذا تامین سطح زندگی کفافی برای توده متوسط جامعه، یکی دیگر از کلیدهای اصلی در کنترل تاثیر ثروتمندان بر هنجارها می‌باشد. جالب این که هم این موضوع و هم موضوع اصلاح رابطه ثروتمندان با طبقه حاکمه، هر دو با نحوه مدیریت جامعه توسط حکومت، ارتباط مستقیم دارند.

عدم تحقق چنین شرایطی، که عمدتاً بر اثر سوء تدبیر مدیریت جامعه رخ می‌دهد، میزان تاثیر پذیری قشر متوسط از گروه ثروتمند را افزایش داده و فشارهای هنجاری را بر این قشر افزایش خواهد داد. در این حالت، بیماری‌هایی از این دست، از قشر مرفه به قشر متوسط سرایت خواهد کرد: ۱) احساس نابرابری و تلاش برای ارتقاء سطح ثروت و کاهش فاصله با طبقه ثروتمند به هر طریق ممکن. ۲) رواج اسراف و تبذیر به عنوان یکی از شاخصه‌های غنای تکاثری و اترافی (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۵). ۳) روحیه تبرج و خودنمایی توأم با تکبر: و تکبر اذا استغنت (حکیمی و همکاران، ۱۳۶۷، ج ۴). ۴) رشد و رواج نیازهای کاذب و به تبع آن ایجاد شغل‌های کاذب در جامعه و کم‌رونق شدن تولید و شغل‌های اساسی و مفید. این عامل خود از عوامل اصلی ارزشمند شدن ثروت در

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University



## پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران ۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

اجتماع می‌باشد. امام علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرمایند: «ثروت اندوزی موجب تباهی سرنوشت و گسترده شدن آمال و آرزوها می‌گردد» (آمدی، ۱۳۶۶) (ط)

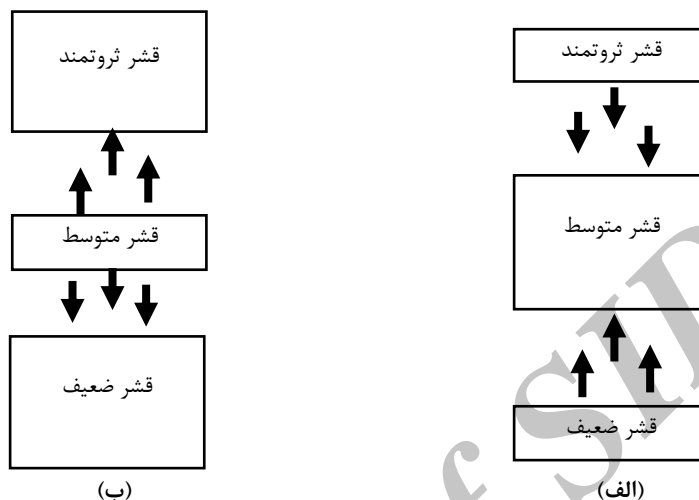
نکته دیگری که در نگاه ثروتمندان نسبت به سایر آحاد جامعه، به خصوص زیردستانشان وجود دارد آن است که این گروه خود را سرپرست و رئیس مردم می‌پندارند و گمان می‌کنند که بدون ثروت آنها، جامعه دچار مشکل خواهد شد. امیرالمومنین از طرفی به این آفت جمع مال اشاره کرده و می‌فرمایند: «ای مردم هر کس ثروتش زیاد شود، ریاست می‌کند» (حکیمی و همکاران، ۱۳۶۷، ج ۴) و از سوی دیگر از راز تفاوت مردم در میزان ثروت و بهره‌مندی اغنیاء از نعمت‌های بیشتر، به عنوان یکی از مظاهر حکمت الهی، پرده برمی‌دارند: «خداوند بندگانی دارد که برای بهره‌مندی دیگران به آنها نعمت‌هایی داده است» و در ادامه وظیفه ثروتمندان را در برابر این نعمت‌ها به‌زیبایی توضیح می‌دهند: «پس تا زمانی که بخشش می‌کنند در اختیارشان می‌گذارد ولی آنگاه که از بخشیدن دریغ کنند از آنان می‌گیرد و به دیگران می‌سپارد» (نهج‌البلاغه/حکمت ۴۲۵) (ع)

البته در فرآیند تاثیرگذاری ثروتمندان بر قشر متوسط، همه ثروتمندان به یک اندازه نقش ندارند. در این میان دودسته حائز بیشترین تاثیر هستند: (۱) نوکیسه‌های ثروتمند، که به دلیل برخورداری حداقلی از معیارها و پشتوانه‌های اخلاقی، بیشتر از سایر ثروتمندان، بر خودنمایی و به رخ کشیدن ظواهر زندگی خود اصرار دارند. (۲) ثروتمندانی که علاوه بر ویژگی ثروت، دارای مزیت‌های دیگری نیز هستند و لذا نظر مردمان را بیشتر به سوی خود جلب می‌کنند. نمونه‌هایی از این دسته را در روزگار ما می‌توان در میان ورزشکاران و هنرمندان و متاسفانه زمامداران پیدا کرد.

### ۳-۵) رابطه ثروتمندان و قشر ضعیف

تعریفی که اسلام و امیرالمومنین (ع) از قشر پایین جامعه با عنوان طبقه سفلی ارائه می‌دهند، با آنچه که امروز در جامعه از آن با عنوان دهک‌های پایین جامعه یاد می‌شود بسیار متفاوت است. در نمودار شماره ۲ دو مدل از طبقه‌بندی گروه‌های اجتماعی بر اساس میزان ثروت و برخورداری از امکانات مادی ارائه شده است.

در حالت (الف)، که مدلی برای جامعه آرمانی و مورد نظر حضرت است، اکثریت جامعه در طبقه متوسط قرار می‌گیرند و با گذشت زمان، مرتباً از دو طبقه ثروتمند و ضعیف جدا شده و به این طبقه می‌پیوندند. در این مدل، هم طبقه ثروتمندان از اخلاق مذموم و معمول اغنیاء یعنی غنای تکثیری و اترافی به دور هستند و زندگی خود را در سطح غنای کفافی حفظ کرده‌اند و هم اقشار ضعیف با برخورداری از یک زندگی حداقلی، به اصطلاح صورت خود را با سیلی سرخ نگه می‌دارند. لذا نمود این دو طبقه در جامعه بسیار به طبقه متوسط شبیه خواهد بود.



نمودار شماره ۲: مدل‌های طبقه‌بندی گروه‌های اجتماعی بر اساس ثروت: (الف) مدل آرمانی اسلام (ب) مدل جامعه بیمار

در حالت (ب) درست قضیه برعکس است. در این مدل، طبقه متوسط جامعه مرتبا در حال ریزش و کم‌شدن است. افراد این طبقه به دو گروه تقسیم می‌شوند: (۱) آنهایی که در پیروی از هنجارها و الگوهای ثروتمندان موفق شده‌اند به هر طریق ممکن خود را به هنجارها و ارزشهای طبقه ثروتمند نزدیک کرده و یا جزیی از آن طبقه بشوند. بخشی از این دسته، همان نوکیسه‌ها هستند (۲) گروهی که در این رقابت نایب، توان ادامه‌زندگی در سطح متوسط را نداشته و علیرغم دارا بودن توان بدنی و فکری برای دستیابی به زندگی توأم با غنای کفافی، به طبقه ضعیف سقوط کرده و در حسرت رسیدن به طبقه ثروتمند باقی مانده‌اند. طبعاً در چنین جامعه‌ای که در نهایت به جامعه دوقطبی تبدیل می‌شود، ارزش‌های طبقه ثروتمند، حاکم بر جامعه می‌شود و از سوی دیگر در طبقه ضعیف، یک نگاه حسرت‌بار و بعضاً توأم با حقد و کینه نسبت به طبقه برخوردار، و رفتارهای متناسب با این نگاه رواج می‌یابد. امیرالمومنین علیه‌السلام خطاب به فرزندشان محمدحنفیه می‌فرماید: «پسرم من از تهیدستی بر تو می‌ترسم ... زیرا تهیدستی، دشمنی پدید می‌آورد» (نهج‌البلاغه/ حکمت ۳۱۹) (غ).

از نکات قابل توجه در مدل (ب) آن است که معمولاً آن دو گروهی که از قشر متوسط جدا شده و به ترتیب به اقشار ثروتمندسنتی و فقیرسنتی می‌پیوندند، بیشترین اثر منفی را در توسعه و انتشار ناهنجاریهای اخلاقی و اجتماعی دارند. اگر ثروتمندان را به‌عنوان یک گروه نوآور بپذیریم، اقلیت‌زودپذیر معمولاً در بخش بالایی گروه متوسط قرار دارند و چون در آرزوی پیوستن به گروه ثروتمند روزشماری می‌کنند، لذا حداکثر تلاش و سرعت خود را برای پیروی از رفتارهای ثروتمندان به‌کار می‌گیرند و حتی در مواردی کاسه‌ء داغ‌تر از آش هم می‌شوند. این اقلیت‌زودپذیر، در فرآیند تبدیل رفتار به هنجار، در بجهه ورود اخلاق و رفتار ثروتمندان به لایه‌های بعدی جامعه و موتور اصلی در انتشار هنجارها در سطح جامعه خواهند بود. در سمت دیگر طیف، یعنی آن دسته از گروه متوسطی که بنا به دلایل مختلف از گروه متوسط سقوط کرده و وارد طبقه پایین جامعه شده‌اند، معمولاً به دلیل از دست دادن جایگاه قبلی، بیش از طبقات ضعیف سنتی، نسبت به ثروتمندان کینه و حسادت پیدا می‌کنند و بسیاری از رفتارهایی را که اقشار واقعاً ضعیف از آنها خودداری می‌کنند،

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University



پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

جایز و بلکه واجب می‌دانند. به نظر می‌رسد بخش قابل توجهی از آمار وقوع جرم و جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی و حتی تکدی‌گری در جامعه، متعلق به این گروه است.

اما تعریف امیرالمومنین(ع) از قشر ضعیف چیز دیگری است. قشر ضعیف واقعی، که نیاز به حمایت جدی و البته بی‌منت از سوی حکومت و اقشار ثروتمند جامعه دارند، گروه اقلیتی هستند که به دلیل ضعف جسمی یا فکری و روحی، گرفتار مسکنت و فقر و به تعبیر امام(ع)، «راه چاره ای برای اداره زندگی خود ندارند» (نهج البلاغه/ نامه ۵۳)(ف). واضح است که مطابق این تعریف، کسانی که دارای توان جسمی و فکری برای کسب مال و تامین معاش خود هستند جزو طبقه متوسط و نه ضعیف، قرار می‌گیرند و وظیفه حکومت، ثروتمندان و خود آنهاست که با یک همکاری و تعاون انسانی، زمینه را برای فعالیت مثبت و سازنده و استفاده موثر از انبوه نیروی مستعد کار فراهم آورند.

دستورات عملی قرآن کریم و بزرگان دین برای اصلاح رابطه میان ثروتمندان و اقشار واقعا ضعیف جامعه، بر محور انفاق بدون منت استوار است. این که ثروتمندان باید حمایت از قشر محروم، با همان تعریف فوق، را وظیفه خود بدانند و آنچه از مال مکتسب را که مازاد بر کفاف است مال خود ندانند بلکه خود را از جانب خداوند، خزانه دار اموال بدانند و بخش عمده مال را صرف تولید ثروت در بدنه جامعه و بخش دیگر را سهم فقرا تلقی کنند. البته انفاق مال اختصاص به ثروتمندان ندارد بلکه همه اقشار جامعه حتی خود قشر ضعیف را هم شامل می‌شود. از سوی دیگر فقرایی که مستحق دریافت انفاق هستند تا جایی که می‌توانند باید صبر پیشه کنند و با رعایت اقتصاد و قناعت در زندگی، عزت نفس خود در مقابل اغنیا را حفظ نمایند. حضرت در کلام نورانی خود، تصویری بسیار زیبا از رابطه متقابل ثروتمندان و فقرا ارائه می‌دهند. در این تصویر اثری از تکبر اغنیا و حقارت فقرا دیده نمی‌شود و محور تعامل این دو گروه، توجه هر دو طرف به ساحت قدسی ربوبی است: «چه زیباست فروتنی توانگران در برابر تهیدستان برای دست یافتن به رحمت خداوند، و زیباتر از آن است بزرگ‌منشی تهیدستان در برابر توانگران به جهت تکیه کردن بر خداوند» (نهج البلاغه/ حکمت ۴۰۶)(ق)

## ۳-۶) رابطه درون گروهی

از میان روابطی که در اوان بحث بین ثروتمندان و جامعه برشمردیم، شش رابطه متقابل در سه عنوان مستقل، در بخش‌های قبلی نوشتار ارائه گردید. تنها رابطه باقیمانده بر اساس این مدل ارتباطی، رابطه ای است که بین خود ثروتمندان وجود دارد و ما آن را رابطه درون گروهی نامیده ایم. ثروتمندان در داخل گروه خود با سایر افراد هم طبقه، دارای تعاملاتی هستند. این تعاملات پیرامون مسائلی همچون رقابت و مسابقه ثروت اندوزی (تکاثر) و گردش دادن ثروت در بین طبقه خود دور می‌زند.

در حکومت اسلامی به شدت با چنین رفتارهایی مبارزه شده است. قرآن کریم یکی از فلسفه‌های انفاق و دستگیری از ضعفا را جلوگیری از گردش مال بین ثروتمندان برمی‌شمارد: «کیلا یكونَ دُولُهُ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر/۷) «تا این که ثروت تنها بین توانگران گردش ننماید» و امیرالمومنین(ع) هم دلیل رعایت تساوی در تقسیم بیت المال را به همین موضوع ارتباط می‌دهند: «بطور مساوی بخشیدم همانگونه که پیامبر خدا بطور مساوی می‌بخشید، و ثروت را برای گردش میان ثروتمندان قرار ندادم (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۴، ج ۵)(ک)





از دیگر آفات درون گروهی این طبقه، برپایی مسابقه ثروت و قدرت و تکاثر است. در چنین مسابقه ای، معمولاً اقشار متوسط و ضعیف جامعه خارج از گود، اما تماشاگر هستند و اتفاقاً یکی از جاهایی که هنجارهای نادرست طبقه ثروتمند، به طبقات متوسط و ضعیف منتقل می‌شود، صحنه همین مسابقه هاست. در این رقابت شیطانی، تمامی امکانات و مظاهر مادی برای برتری جویی بر رقیب به رخ کشیده می‌شود و لذا بیشترین تاثیر را بر تماشاگران خود خواهد داشت. داستان قارون در قرآن نمادی از تبحر و مسابقه قدرت است (قصص/۷۶ تا ۸۲).

### ۳-۷) روابط ثروتمندان با بیرون از مرزها

ثروتمندان به عنوان گروه برخوردار جامعه، به جز ارتباطی که با دیگر گروه‌های درون اجتماع خود دارند، به عنوان یکی از گروه‌های پیشگام در ارتباط با دیگر جوامع نیز مطرح‌اند. از آنجا که این ارتباط از نظر انتقال ارزشها و هنجارها، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند لذا در این مجال از بحث، اشاره‌ای کوتاه به آن خواهیم داشت، هر چند در مدل ارتباطی اولیه بین گروه‌های داخل جامعه، این رابطه را مورد توجه قرار ندادیم.

در مقدمه نوشتار گفتیم که دلیل توجه و اثر پذیری اقشار جامعه از ثروتمندان، موقعیت و جایگاه این گروه در جامعه است بطوری که دیگر اقشار به واسطه موفقیت ظاهری که در آنها احساس می‌کنند، توجه خود را به سوی آنان معطوف می‌دارند و در این توجه، تاثیر می‌پذیرند. در شرایط کنونی، همین توجه از سمت ثروتمندان جامعه به آن سوی مرزها وجود دارد. جوامع غربی بنا به دلایل متعددی، که خارج از حوصله این نوشتار است، در ابعاد مختلف دارای مزایای نسبی نسبت به جوامع در حال توسعه هستند و علاوه بر آن بر اساس اهداف استعماری خود، که از گذشته تا امروز ادامه داشته، بر روی فرهنگ جامعه ما تاثیر گذار هستند و این فرآیند تاثیر گذاری، توسط قشر ثروتمند تسریع و تسهیل شده است. بسیاری از آنچه که در سیر تحول ارزشها و الگوهای رفتاری در جامعه رخ داده و می‌دهد چیزی جز برآیند اثرگذاری غرب و اثر پذیری قشر ثروتمند نیست و بخش قابل توجهی از این فرآیند، دقیقاً بر اساس قاعده فشار هنجاری و قاعده جامعه غیر رسمی محقق شده است. (رفیع پور، ۱۳۹۳، دریغ است ایران که ویران شود). واضح است که تحلیل این موضوع و پرداختن به ابعاد مختلف آن، که اتفاقاً در مسیر تعلیم و تربیت بسیار مهم و قابل اعتناست، ما را از مسیر اصلی مقاله خارج می‌کند و آن را باید به فرصتی دیگر واگذار کرد. همین قدر باید دانست که این ارتباط هم دوطرفه است و به دلیل کارکرد گسترده و قوی و البته پنهان، از سوی قدرت‌های استعماری همواره به عنوان ابزاری برای نفوذ فرهنگی و به تبع آن نفوذ سیاسی و امنیتی به کار گرفته می‌شده است. نمونه‌ای از این ارتباط را در زمان امیرالمومنین (ع)، از سوی معاویه در شام برای دعوت سران مسلمان و جذب آنان و متقابلاً پاسخ مثبت طیفی از ثروتمندان و دنیا خواهان به وی مشاهده می‌کنیم.

### ۴) جمع بندی یافته‌ها

در بخش‌های پیشین، روابط میان ثروتمندان با حکومت و سایر اقشار جامعه و عواملی که در این روابط مداخله دارند تبیین گردید. در هر مورد، گفته شد که چه متغیرهایی می‌توانند در این روابط وارد شوند و بر نقش ثروتمندان در تغییر هنجارهای اجتماعی تاثیر گذارند. در این بخش دامنه سخن را جمع کرده و برای دست یابی به یک تصویر کلی، مهم ترین متغیرهای نامبرده را یک جا و در قالب جدول ۱ ارائه می‌نماییم.

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University



پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

جدول ۱: جمع‌بندی عوامل کنترل نقش ثروتمندان در تغییر هنجارهای اجتماعی از سوی حکومت

ردیف	عامل کنترل	طرفین رابطه
۱	مراقبت و نظارت جدی حکومت نسبت به آلوده‌شدن مدیران دولتی به تبانی با ثروتمندان	ثروتمندان و حکومت
۲	ساده‌زیستی مدیران	ثروتمندان و حکومت ثروتمندان و سایر طبقات جامعه
۳	تسهیل کردن راه‌های سرمایه‌گذاری سالم برای تولید ثروت	ثروتمندان و حکومت ثروتمندان و طبقه متوسط
۴	پرهیز از نیازآفرینی‌های کاذب و غیرمتناسب با سطح درآمد در جامعه	حکومت و همه طبقات جامعه
۵	ترویج فرهنگ امانت‌داری به جای سرمایه‌داری	ثروتمندان و حکومت
۶	ترویج روحیه قناعت و اصلاح نوع نگاه به دنیا	همه گروه‌های جامعه
۷	تامین معاش کفافی برای اکثریت جامعه	حکومت و طبقه متوسط
۸	نگاه‌ویژه به اقشار ضعیف (ناتوان) و تامین نیازهای آنها	حکومت و طبقه ضعیف
۹	ترویج معیارهای غنای کفافی در جامعه و جلوگیری از تبرج ثروتمندان در رسانه‌ها	ثروتمندان و حکومت

18

در بررسی این جدول، به چند نکته مهم باید توجه داشت: (۱) نقش نهایی ثروتمندان در جامعه و تولید الگوهای رفتاری و هنجارهای مثبت یا منفی از سوی آنان، برآیندی از متغیرهای یاد شده خواهد بود. (۲) سررشته این عوامل بیش از هر چیز و قبل از هر کس، به دست حاکمیت جامعه می‌باشد. (۳) میزان وزن و تاثیر هر یک از متغیرها در معادله هنجارآفرینی ثروتمندان، در جوامع مختلف با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی متفاوت، یکسان نخواهد بود. (۴) گرچه یک سر این رشته‌ها به دست حاکمیت است، اما سر دیگر این رشته‌ها در دست مردم و به خصوص قشر ثروتمند است و حاکمیت جامعه نمی‌تواند بدون توجه به شرایط جامعه و نوع پاسخ مردم به تصمیمات او، به راحتی با در دست گرفتن رشته متغیرها، به اهداف مطلوب دست یابد و نقش ثروتمندان را به سهولت به سمت نقش مثبت تبدیل نماید.

## ۵) نتیجه‌گیری

خاستگاه اصلی این پژوهش، یافتن راه‌هایی برای مدیریت آن دسته هنجارهای اجتماعی بود که از سوی طبقه ثروتمند در جامعه تزیق و منتشر می‌شد. در جهت نیل به این هدف، ضمن بیان چرایی ارزشمند شدن و تاثیر گذاری ثروت در جامعه، روابط بین



ثروتمندان و سایر گروه‌های جامعه را تبیین کرده و در هر مورد با تکیه بر نهج‌البلاغه و سیره امیرالمومنین (ع) به عنوان نمونه برتر مدیریت جامعه اسلامی، روش‌هایی را برای اصلاح ارتباط‌های متقابل استخراج نمودیم. از این میان دو عامل "مصون نگاه داشتن حکومت از تبانی و اختلاط با ثروتمندان"، و "تامین معاش کفافی برای اکثریت جامعه"، که اتفاقاً سرنخ هر دو عامل به دست حکومت است، به عنوان عوامل اساسی و البته غیرمستقیم برای رسیدن به هدف تحقیق مورد اثبات و تاکید قرار گرفت.

در راه رسیدن به این هدف، البته نکات قابل توجه دیگری نیز بدست آمد که در خلال متن به آنها پرداخته شد. شاید از مهمترین نتایج جانبی این تحقیق، که خود بحثی بسیار مهم بوده و به پژوهش یا پژوهش‌هایی جداگانه نیاز دارد، توجه دادن به این نکته است که برپایی نظام تعلیم و تربیت اسلامی در جامعه، مستقل از توجه به دیگر نظام‌های آن به ویژه نظام اقتصادی، راه به سرمنزل مقصود نخواهد برد و اقتصاد حداقل به عنوان یک عامل مقدماتی و تمهیدی، به شدت در فرآیند تعلیم و تربیت نقش آفرین است و نظام اقتصادی بیمار و غیر مبتنی بر قسط، بسیاری از اقدامات و برنامه‌های تعلیم و تربیت را خنثی و یا ابتر خواهد نمود.

#### یادداشت‌ها

(الف) عیالهُ الْخَلَائِقُ، ضَمَّنَ أَرْزَاقَهُمْ وَ قَدَّرَ أَقْوَانَهُمْ

(ب) وَ قَامَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ، يَخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْإِبِلِ نِبْتَةَ الرَّبِيعِ

(پ) ذِمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِينَةً وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ... وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلَلُنَّ بِلَبْلِهِ وَ لَتُعْرَبَلُنَّ غَرْبَلَهُ وَ لَتُسَاطُنَّ سَوَاطِئَ الْعِدْرِ حَتَّى يَعُودَ أَسْفَلَكُمْ أَعْلَاكُمْ وَ أَعْلَاكُمْ أَسْفَلَكُمْ...

(ت) الْقَوْمُ وَ ضِدُّهُ الْمُكَاتِرَةُ

(ث) وَ أَمَا مَا ذَكَرْتُمَا مِنْ أَمْرِ الْأَسْوَةِ، فَإِنَّ ذَلِكَ أَمْرٌ لَمْ أَحْكَمْ أَنَا فِيهِ بِرَأْيِي، ... بَلْ وَجَدْتُ أَنَا وَ أَنْتُمَا مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) قَدْ فُرِغَ مِنْهُ ...

(ج) وَ إِنَّ عَمَلَكُمْ لَيْسَ لَكُمْ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي غُنُقِكُمْ أَمَانَةٌ... وَ أَنْتَ مِنْ خَزَائِنِهِ حَتَّى تُسَلِّمَهُ إِلَيَّ ...

(چ) فَاحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ عَدُوَّ اللَّهِ أَنْ يُعَذِّبَكُمْ بِدَائِهِ وَ أَنْ يُسْتَفِيزَكُمْ بِدَائِهِ

(ح) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا عَلِيُّ إِنَّ الْقَوْمَ سَيُفْتَنُونَ بِأَمْوَالِهِمْ... فَيَسْتَحْلُونَ الْخَمْرَ بِالنَّبِيذِ، وَالسُّحْتِ بِالْهَدْيَةِ، وَالرِّبَا بِالْبَيْعِ

(خ) ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَ بَطَانَةً فِيهِمْ اسْتِثْنَاءٌ وَ تَطَاوُلٌ وَ قَلْبَةٌ إِنْصَافٍ فِي مُعَامَلَةٍ فَاحْسِبِمْ مَادَّةَ أَوْلَيْكَ بِقَطْعِ سَبَابِ تِلْكَ الْأَحْوَالِ وَ لَا تُقْطِعَنَّ لِأَخِي مِنْ حَاشِيَتِكَ وَ حَامِيَتِكَ قَطِيعَةً

(د) وَ تَحَفَّظْ مِنَ الْأَعْوَانِ؛ فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَتِهِ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University



پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

(ذ) ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لَكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا، وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ، فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا وَأَصَحُّ أَعْرَاضًا، وَأَقْلُّ فِي الْمَطَامِعِ إِشْرَاقًا

(ر) ثُمَّ اسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ، فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ، وَغِنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ، وَحُجَّةٌ عَلَيْهِمْ إِنْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّعُوا أَمَانَتَكَ....

(ز) أَتَأْمُرُونِي أَنْ أَطْلُبَ النَّصْرَ بِالْجُورِ

(ز) وَقَدْ كَرِهْتُ أَنْ يَكُونَ جَالَ فِي ظَنِّكُمْ أَنِّي أَحِبُّ الْإِطْرَاءَ، وَاسْتِمَاعَ الشَّنَاءِ، وَ لَسْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ كَذَلِكَ

(س) وَأَعْلَمُ أَنَّ الرَّعِيَّةَ طَبَقَاتٌ لَا يَصْلُحُ بَعْضُهَا إِلَّا بِبَعْضٍ، وَ لَا غِنَى بِبَعْضِهَا عَنْ بَعْضٍ.... وَ لَا قِيَامَ لَهُمْ إِلَّا بِالتَّجَارِ وَ ذَوَى الصَّنَاعَاتِ

(ش) وَ لَيْكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أُبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ

(ص) وَ لَيْكُنْ فِي خَاصَّةٍ مَا تُخْلِصُ لِلَّهِ بِهِ دِينَكَ إِقَامَةً فَرَأَيْتَ الَّتِي هِيَ لَهُ خَاصَّةٌ

(ض) أَلَا وَ إِنْ إِمَامَتُكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ

(ط) الْمَالُ يُفْسِدُ الْمَالَ وَ يُوسِعُ الْأَمَالَ

(ظ) أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ كَثُرَ مَالُهُ رَأْسٌ

(ع) إِنْ لِلَّهِ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ اللَّهُ بِالنَّعْمِ لِمَنَافِعِ الْعِبَادِ، فَيُقِرُّهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا، فَإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ، ثُمَّ حَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ

(غ) يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَإِنَّ الْفَقْرَ ... دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ

(ف) الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ

(ق) مَا أَحْسَنَ تَوَاضُعِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ طَلَبًا لِمَا عِنْدَ اللَّهِ، وَ أَحْسَنُ مِنْهُ تَبَهُ الْفُقَرَاءِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ اتِّكَالًا عَلَى اللَّهِ

(ك) أَعْطَيْتُ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُعْطِي بِالسُّوْبَةِ وَ لَمْ أَجْعَلْهَا دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ

## کتاب نامه:

(۱) قرآن کریم.

(۲) آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

(۳) ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۱۴ق، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.

(۴) ابن شعبه الحرّانی، حسن بن علی، ۱۳۸۹، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، مترجم: علی اکبر میرزایی، چاپ اول، قم، انتشارات صالحان.

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



- (۵) حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۶۷، الحیات، چاپ اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۶) حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد و حکیمی، علی، ۱۳۸۴، الحیات، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، قم، انتشارات دلیل ما.
- (۷) رفیع پور، فرامرز، ۱۳۹۳، آناتومی جامعه، چاپ نهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- (۸) رفیع پور، فرامرز، ۱۳۹۳، دریغ است ایران که ویران شود، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- (۹) رفیع پور، فرامرز، ۱۳۹۴، توسعه و تضاد، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- (۱۰) روشه، گی، ۱۳۹۵، تغییرات اجتماعی، ترجمه: منصور وثوقی، چاپ بیست و ششم، تهران، نشر نی.
- (۱۱) شریف رضی، محمد بن حسین، ۱۳۹۰، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی‌الصالح، قم، انتشارات دارالهجره.
- (۱۲) صمدانیان، محسن و میریان، فردوس، ۱۳۹۰، علل ناهنجاری و روش کنترل آن از دیدگاه نهج البلاغه، دو فصلنامه حدیث‌پژوهی، سال سوم، شماره پنجم، ۱۱۹-۱۵۲.
- (۱۳) قاضی‌زاده، کاظم، حسینی، سید حمید، ۱۳۸۹، تحلیل فرآیند تحول ارزشهای اجتماعی در نهج البلاغه با رویکرد جامعه‌شناختی، فصلنامه علوم اسلامی، سال پنجم، شماره ۲۰، ۱۳۳-۱۶۱.
- (۱۴) قاضی‌نعمان، بی‌تا، دعائم‌الإسلام، تحقیق: آصف‌بن‌علی‌أصغرفیضی، قاهره، دار المعارف، چاپ دوم.
- (۱۵) کلینی، محمدبن‌یعقوب، بی‌تا، اصول کافی، ترجمه: سیدجوادمصطفوی، بی‌جا، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام.
- (۱۶) مصطفوی، سیدحسن، ۱۳۸۵، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- (۱۷) مؤدب، سید رضا و فصیحی، امان‌الله، ۱۳۸۶، سنت الهی در تغییرات اجتماعی از دیدگاه مفسران شیعه، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۴۳-۱۸۹.
- (۱۸) میریان، فردوس و صمدانیان، محسن، هنجارهای اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره ۸۲/۳، ۱۲۷-۱۵۸.